

مدل مفهومی بازیگران موثر در آمایش مناطق مرزی

محسن جان پرور*^۱، دریا مازندرانی^۲

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

janparvar@um.ac.ir*

چکیده:

مدل و مدل سازی در عرصه علمی از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار می باشد. به هر میزان ترسیم مدلها در عرصه علمی نظام مند باشد و معنی دار می تواند زمینه درک مسائل و مباحث را بهتر و دقیقتر نماید. در این میان، آمایش مناطق مرزی با توجه به ابعاد گسترده ای که دارد ضرورتا نیازمند آن است که بتوان آن را در قالب بخش های جزئی تر مورد بررسی قرار داد و مدل سازی هایی در این زمینه جهت ساده سازی انجام داد. در این میان از آنجا که، بازیگران مرزی از اهمیت و جایگاه برجسته ای در امر آمایش مناطق مرزی و کنترل و مدیریت مرزها از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار هستند در مقاله حاضر که با روش توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده است تلاش شده است تا ضمن شناخت این بازیگران مرزی موثر بر آمایش مناطق مرزی، مدل سازی از ارتباط بین این بازیگران ارائه شود. نتایج حاصل از تحقیق نشان دهنده آن است که بازیگران مرزی شامل ساکنین مرزی، بازیگران امنیتی مرز، بازیگران سیاسی- حاکمیتی مرزی و بازیگران غیر رسمی در طول مرزها می شوند که با توجه به ماهیت دو طرفه مرزها در قالب معادل در فراسوی مرزها نیز باید مورد توجه قرار گیرند. چرا که این بازیگران یک کل به هم پیوسته را تشکیل می دهند و هر نوع کم توجهی میتواند زمینه عدم موفقیت در رسیدن به اهداف آمایش را سبب شود.

واژگان کلیدی: مرز، بازیگران مرزی، مدل مفهومی، آمایش مرز

۱- مقدمه

مرز و مرزبانی دارای تاریخچه‌ای بسیار کهن است. بشر از زمانی که توانسته است محدوده‌ی تحت حاکمیت خویش را مشخص سازد در اندیشه‌ی حفاظت از آن بر آمده و سعی کرده است با روش‌های مختلف مرزهای قلمرو خود را تا حد امکان کنترل و مدیریت کند. اما، با شکل‌گیری حکومت‌ها کنترل و حفاظت از محدوده‌های قلمرو کشورها جهت برقراری نظم و امنیت جایگاه برجسته و پر اهمیتی به خود اختصاص داد و حکومت‌ها به صورت‌های مختلف سعی در کنترل محدوده‌ها و مرزهای قلمرو خود کرده‌اند که ساخت دیوار چین، هاردین، دیوار گرگان و ... از سوی حکومت‌ها شواهدی بر این مدعا در ادوار گذشته است؛ البته نمونه‌هایی از این انسداد مرزی در عصر حاضر نیز مشهود است که نمونه‌های بارز آن عبارتند از دیوار مرزی عربستان با کشورهای یمن و عراق، دیوار حایل رژیم صهیونیستی با فلسطین، دیوار مرزی اکراین و روسیه، هند و بنگلادش، ایران و پاکستان و ... با گذشت زمان اندیشه‌ها و تلاش‌هایی جهت دستیابی به کنترل و مدیریت بهینه مرزها با توجه به تحولات صورت گرفته در طول زمان توسعه پیدا کرده است تا حکومت‌ها بتوانند کنترل و مدیریت مرزهای خود را با پیشرفت‌های صورت گرفته در عرصه‌های مختلف فناوریانه و علمی هماهنگ نمایند (**حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۴**). تا از این طریق بتوانند نظم و امنیت را در مناطق مرزی به صورت خاص و در کل کشور به صورت عام برقرار کنند. چرا که، مرزها از جمله پدیده‌های فضایی- جغرافیایی سیاسی با ویژگی‌های مشخصه‌های خاص خود هستند که از پویایی قابل توجهی برخوردار می‌باشند. این پویایی مرزها به صورت‌های مختلف تحت تأثیر شرایط حاکم بر فضای مرزها و فضای حاکم بر کشورهای هم مرز دچار تغییر و تحول می‌شود. به نحوی که باید بر پایه این گستره تغییر و تحول مرزها را به عنوان یک ارگانیک زنده در نظر گرفته که دائماً در حال تغییر و تکامل است. بر این مبنا، مرزها باید به صورت مداوم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند و با توجه به اهمیت آنها در امنیت و ساماندهی کشورها باید به صورت مستمر کنترل و مدیریت شوند. در این میان حرکت جهت بهره برداری از ظرفیت‌ها و بسترهای حاضر در فضای جغرافیایی مناطق مرزی و به بیان دیگر در برنامه ریزی آگاهانه این مناطق در قالب آمایش مناطق مرزی می‌تواند جهت دستیابی به اهداف کنترل و مدیریت بهتر مرزها و ایجاد زمینه شکوفایی آن تأثیرات گسترده‌ای داشته باشد. از جمله مهمترین عوامل موثر در آمایش مناطق مرزی، بازیگران حاضر در مرزها هستند که در امر ساماندهی فضاهای مرزی تأثیرگذار هستند و به بازیگری و نقش آفرینی می‌پردازند. با توجه به این اهمیت و جایگاه برجسته‌ای که بازیگران مرزی در اشکال و انواع مختلف دارند در مقاله حاضر تلاش بر این است که این بازیگران مرزی را در قالب مدل مفهومی مناسب آورده شود. تا از این طریق ضمن ارائه شمایی کلی از بازیگران حاضر در مرزها، شناخت و درک لازم از بازیگران در این حوزه را جهت آمایش مناطق مرزی فراهم آورده شود.

۲- مفاهیم نظری

۲-۱- مرز

۲-۱-۱- تعریف مرز

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۶۹). به بیانی دیگر، مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد

(حافظنیا و جان پرور، ۱۳۹۱: ۳۵). در مجموع می توان گفت، مرزها خطوطی هستند در فضا که محدوده حاکمیت، مالکیت و صلاحیت در سطوح مختلف فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای را مشخص می کنند (جان پرور، ۱۳۹۶: ۲۰). باید توجه داشت که مرزها دارای انواع و اشکال مختلفی هستند و تقسیم بندی‌های مختلفی از آنها صورت گرفته است. در این تحقیق منظور از مرزها، مرزهایی است که در فضای عینی و در سطح خشکی منطبق با پدیده‌های طبیعی نظیر کوه ها، رودها، جنگل ها، باتلاق ها و غیره ترسیم شده اند، است.

۲-۱-۲- آمایش مرزی

آمایش سرزمین از منظر برنامه‌ریزی، در اصل نوعی برنامه‌ریزی فضایی است، پس آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شود (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). به بیانی دیگر، آمایش بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی سیاسی در یک چارچوب جغرافیایی معین به دنبال بهترین توزیع ممکن جمعیت، سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی به منظور تحقق آینده‌های مطلوب، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، نظارت بر عمران، حفاظت فضا یا سرزمین چارچوب نظر توسعه مناطق مرزی، در کل، چارچوب توسعه منطقه‌ای است. از آنجایی که مناطق مرزی با مناطق مرکزی متفاوت است، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی استوار است. اصولاً تمام نظریه‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای بر پایه پدیده عدم تعادل منطقه‌ای به عنوان محور بحث‌هایشان می‌چرخند. این نظریه‌ها با پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را تفسیر می‌کند و یا برای رفع آن، راه حل ارائه می‌دهد. از آن جایی که عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی مشهود، و شاخص است، پایه‌های نظری آمایش مناطق مرزی بر نظریه‌های توسعه منطقه‌ای مستقر می‌شود. مشوق‌های اقتصادی توسعه، که کمک‌های مالی توسعه منطقه‌ای نماد آن در دهه ۱۹۸۰ بود، تا کنون مهمترین ابزار سیاست‌گذاری بوده است (کالینگورس، ۱۳۸۷: ۵۰). بنابراین، گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آنها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت را در مناطق مرزی بر یکدیگر منطبق سازد. بر پایه این توضیحات، می‌توان «آمایش» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی- فضایی و «آمایش مناطق مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها، دانست که هدف آن شناخت پیچیدگی‌ها و موانع توسعه در این مناطق است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۵). در جمع‌بندی کلی در زمینه مفهوم آمایش مناطق مرزی باید گفت، آمایش مناطق مرزی عبارت است از، برنامه‌ریزی جهت تعیین مکان پدیده‌ها در فضای مناطق مرزی متناسب با شرایط، این مناطق و بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های فضایی جهت دستیابی به توسعه و افزایش حرکت مرکزگرا با تأکید بر محتوای امنیتی و دفاعی این مناطق و نیم‌نگاهی داشتن به شرایط کشور یا کشورهای مقابل (جان پرور، ۱۳۹۶: ۸۸-۸۷).

۲-۲- مدل

۲-۲-۱- تعریف مدل

مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای اندازه گرفته شده است. مدل همچنین به ما کمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است (گرچی، ۱۳۸۸: ۳۳). به بیانی دیگر، مدل از نظر علمی، نوعی مقایسه یا تصویر ذهنی از پدیده‌ها با چیزی است که اغلب با آن آشنا هستیم. به گزارش بیگ بنگ، هدف از ارائه ی مدل، به دست آوردن تصویری تقریباً ذهنی یا عینی است، یعنی چیزی را مجسم کردن. هنگامی که نمی‌توان دید واقعا چه اتفاقی روی می‌دهد، اغلب مدل‌ها با مقایسه با یک دستگاه آشنا (برای مثال همان امواج آب) به ما بینش ژرف تری می‌دهد که می‌تواند آزمایش‌های جدیدی را مطرح کند و یا اندیشه‌هایی را درباره‌ی دیگر پدیده‌های وابسته به وجود آورد که شاید روزی به وقوع بپیوندند. شاید از تفاوت‌های میان نظریه و مدل شگفت زده شوید، زیرا بعضی اوقات این واژه‌ها به صورت مترادف هم به کار می‌روند، اما مدل معمولاً ساده است و مقایسه‌ای ساختاری برای پدیده‌های مورد بررسی در اختیارمان می‌گذارد، در صورتی که نظریه گسترده‌تر و بسیار مفصل‌تر است و اغلب می‌توان پیش‌بینی‌های کمی‌آزمون‌پذیری را با دقت هرچه تمام‌تر ارائه‌دهد. بعضی اوقات یک مدل را بسط می‌دهند و اصلاح می‌کنند تا با آزمایش‌های انجام شده در گستره‌ی وسیعی از پدیده‌ها مطابقت نزدیکی داشته باشد، در این حال شاید بتوان آن را به عنوان یک نظریه تلقی کرد. مدل‌ها می‌توانند بسیار سودمند باشند، زیرا اغلب به نظریه‌های مهمی می‌انجامند، اما آنچه اهمیت دارد این است که نظریه یا مدل را با خود دستگاه‌های واقعی و پدیده‌ها اشتباه نگیریم. دانشمندان، عنوان قانون را به گزاره‌های موجز و فراگیر درباره‌ی چگونگی رفتار طبیعت نسبت می‌دهند. (برای مثال پایستگی انرژی). گاهی این گزاره‌ها به شکل رابطه‌ها یا معادله‌ی میان کمیت‌ها بیان می‌شوند (توحیدی، ۱۳۹۴).

۲-۲-۲- انواع مدل‌ها

مدل‌ها دارای انواع مختلفی هستند و صاحب‌نظران در این زمینه نیز تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از مدل‌ها ارائه داده‌اند. اما شاید یکی از ساده‌ترین تقسیم‌بندی‌ها صورت گرفته از مدل‌ها به صورت ذیل است:

۱- مدل‌های کلامی (verbal models)

۱-۱- مدل‌های تشریحی (descriptive)

۱-۲- مدل‌های قیاسی (analogue)

۱-۳- مدل‌های علت و معلولی (Causal models)

۲- مدل‌های ترسیمی (schematic models)

۳- مدل‌های تجسمی (iconic models)

۴- مدل‌های ریاضی (mathematical models)

هریک از این مدل‌ها به گونه‌ای روابط و آثار اجزای مختلف پدیده‌ها را نشان می‌دهند و در موارد مختلف کاربرد دارند. ترکیب مدل‌های مذکور نیز در اغلب موارد می‌تواند وسیله مؤثرتری باشد. (الوانی، ۱۳۷۹، ص ۵۳)

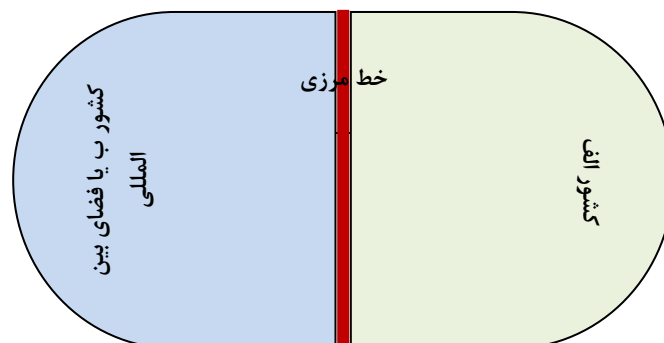
۳- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، میدانی و اینترنتی استفاده شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین تحقیق علمی-جغرافیای-سیاسی در تبیین مدل مفهومی بازیگران مرزی حاضر در کنترل و مدیریت مرزها می‌باشد. سوال اصلی این تحقیق، این است که مدل مفهومی بازیگران مرزی مؤثر در کنترل و مدیریت مرزها چگونه قابل ترسیم است؟

۴- یافته‌های تحقیق

با افزایش سریع جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات بر خلاف تصویری که در زمینه از میان رفتن و کم رنگ تر شدن مرزها وجود داشت، زمینه برای بازآفرینی و اهمیت‌یابی دوباره مرزها فراهم آورده شده است. مرزها با تغییر زمینه‌های مورد بحث خود در حوزه‌های تعریف، ترسیم، انواع و غیره به نفوذ پذیری، کنترل و مدیریت و غیره توانستند اهمیت و جایگاه برجسته جدیدی در حوزه‌های مختلف مطالعاتی پیدا کردن و از این طریق خود را همچنان به عنوان یکی از کانون‌های توجه در قرن بیست و یکم باقی نگاه داشتند. به نحوی که امروزه، این توافق کلی وجود دارد که داشتن مرزهای مطمئن و امن در ایجاد زمینه استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی، توسعه، اجرای سیاست حسن هم‌جواری و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و هدایت کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که تغییرات صورت گرفته در طی دهه‌های اخیر مرزها، مناطق مرزی و مسایل مرزی را دچار پیچیدگی گسترده در ابعاد گوناگون آن خصوصاً در بعد امنیتی کرده است و نیاز به مطالعات و تحقیقات در زمینه مرزها را به یک ضرورت برای کشورها تبدیل کرده است. این موضوع در کشورهایی که دارای مرزهای طولانی و همسایگان متعدد هستند، نظیر جمهوری اسلامی ایران از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌باشد (جان پرور، صالح آبادی و نادری، ۱۳۹۹: ۱۷). در مرزهای طولانی به صورت‌های مختلف توجه به برنامه ریزی دقیق و آمایش مرزی را جهت کنترل و مدیریت مرزها و دستیابی به امنیت پایدار در این مناطق به یک موضوع مهم تبدیل کرده است. در این میان یکی از مهمترین عوامل پایه‌ای که در مطالعات مرزی باید در نظر گرفته و بر آن تأکید گردد، بازیگران مرزی هستند که به صورت یک مجموعه‌ای به هم پیوسته در منطقه مرزی در کنار یکدیگر قرار گرفته و نمی‌توان آنها را نادیده و حتی جدا از یکدیگر در نظر گرفت. زیرا وجود و پیوند آنها جهت کنترل و مدیریت مرزها از اهمیت بالایی برخوردار است (جان پرور، ۱۳۹۶: ۱۴۱). چرا که، محیط مرزی پیچیده و شامل بازیگران گوناگون با منافع متضاد می‌باشد. بر اساس بیان ادود^۱ مرزها مکان‌هایی از فرصت‌های اقتصادی و سیاسی برای ملت‌ها و کشورها به همان اندازه میزبان سایر گروه‌های ذینفع و سازمان‌های قانونی و غیر قانونی هستند (O'Dowd, ۲۰۰۲: ۲۴). در جهت دیگر باید توجه داشت که، مفهوم مرز ماهیتاً بیان کننده طرف یا طرف‌های دیگر است. به این معنی که ماهیت وجودی مرزها با وجود طرف یا طرف‌های مقابل شکل می‌گیرد و بدون طرف یا طرف‌های مقابل نیاز به شکل‌دهی مرزها وجود ندارد. از آنجا که ماهیت وجودی مرزها با وجود طرف مقابل معنی پیدا می‌کند، در نظر گرفتن طرف مقابل در فرآیند تکامل مرزها یکی از ضروریات است. بر این مبنای، برای دستیابی به تکامل و مدیریت بهینه مرزها باید سعی کرد طرف یا طرف‌های مقابل را نیز به صورت‌های مختلف در نظر گرفت و آنها را به عنوان یکی از بازیگران برقراری مدیریت بهینه مرزی به بازی گرفت. زیرا مدیریت و کنترل مرزی با مسائل و مشکلات مرزی در هر دو طرف مرز ارتباط دارد و بحث مدیریت کردن مرزها مرتبط با همکاری و ارتباط بین دو طرف دارنده مرز مشترک می‌باشد. بر این اساس، از آنجا که مرزها دارای دو طرف یا چند طرف هستند و کشورهای همسایه دارای منافع و مصالح مشترکی در امتداد مرزها با یکدیگر می‌باشند، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزها را بصورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کنند و هزینه کمتری را برای این کار صرف کرده و چالش‌های مرزی را به حداقل ممکن برسانند نیازمند شکل دادن به یک سازمان و نهاد مرزی مشترک بین خود هستند که بتوانند با استفاده از آن مرزهای بین خود را به صورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کرده و زمینه‌های همکاری و روابط خوب را در امتداد مرزها بین و ساکنین مناطق مرزی گسترش دهند و از این طریق به امنیت پایدار در مناطق مرزی خود دست یابند (جان پرور، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۶).

شکل ۱: ماهیت دو طرفه مرزها



^۱ - O Dowd

مبتنی بر این اصل که مرزهای پدیده های فضایی - سیاسی دو طرفه یا چند طرفه هستند که این موضوع از اهمیت زیادی در مدیریت و آمایش مناطق مرزی برخوردار است. بازیگران حاضر در مرزها که در آمایش مناطق مرزی اثرگذار هستند نیز به صورت دو طرفه باید در نظر گرفته شود. یعنی هر بازیگری که در درون مرزها موثر در آمایش مرزی در نظر گرفته می شود معادل نسبی آن نیز در آن سوی مرز وجود دارد که باید به صورت های مختلف در آمایش مناطق مرزی در نظر گرفته شوند. بر این اساس، مهمترین بازیگران مرزی را میتوان به صورت ذیل در نظر گرفت که البته دارای معادل در آن سوی مرز نیز می باشند.

۱-۴- ساکنین مرزی (مرزنشینان)

یکی از بازیگران اصلی در محدوده مرزها ساکنین مرزی یا مرزنشینان هستند. در لغتنامه دهخدا مرزنشین یا ساکن مرز به کسی گفته می شود که در نواحی سرحدی و مرزی سکونت دارد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۶۶۸). به بیان دیگر، به کلیه اشخاصی که در عمق نوار مرزی و جزایر مجاور هر کشور سکونت دائمی داشته باشند، مرزنشین اطلاق می شود (کارکنان نظامی و انتظامی و ساکنین شهرهای بزرگ مستثنی می باشند) (رحمتی راد، ۱۳۷۴: ۱۶). به مجموعه افرادی که در فاصله معینی از خطوط مرزی و ساحلی کشور به صورت دائم زندگی می کنند، ساکنین مرزی می گویند. البته باید توجه داشت، برخی عوامل هستند که به صورت قابل توجهی زمینه ایجاد پیوند بین ساکنین مرزی با مرزها را فراهم می آورند و سبب می شوند که بین آنها و سایر افراد ساکن در این فضا تفاوت قائل شد. مهمترین این عوامل عبارتند از: تعلق خاطر به محل سکونت (دلبستگی به سرزمین و وطن)؛ فرهنگ خاص مرزنشین؛ پیوند امنیتی افراد و خانواده های آنها با امنیت منطقه مرزی؛ پیوند اقتصادی با فضای منطقه مرزی؛ و غیره (جان پرور، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۲). ساکنین مرزی با پیوند گسترده ای که با فضای های مرزی دارند و زندگی آنها پیوسته با مرزها است توجه به آنها در امر آمایش مرزها از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که، ظرفیت ها و پتانسیل های بالایی که ساکنین مرزی در امر مدیریت مرزها و کاهش آسیب پذیری با توجه به حساسیت ویژه و شناختی که اهالی مرزنشین هر منطقه به خاک خود دارند، می توان با ساماندهی و بکارگیری ساکنین مرزی ضمن کاهش آسیب پذیری کشور زمینه را برای مشارکت ساکنین در امور کشور فراهم آورد زیرا به هر میزان ساکنین نواحی مرزی در امر مدیریت و حفاظت از مرزها مشارکت داشته باشند، نگرشی مثبتی نسبت به حکومت مرکزی پیدا می کنند و حس اتحاد و انسجام با سایر بخش های کشور در بین آنها بیشتر می شود و این امر می تواند به صورت قابل ملاحظه ای زمینه های ناامنی و جنبه های منفی ساماندهی و بکارگیری ساکنین مرزی در امر مدیریت مرزها را کاهش داده و زمینه برای دستیابی به آمایش مرزی موفق را فراهم آورد (جان پرور و لسانی، ۱۳۹۲: ۱۲).

۲-۴- بازیگران امنیتی مرزی (مرزبانان، مرزداران (انتظامی، سپاه، ارتش و ...))

بازیگران امنیتی مرزها به بازیگرانی گفته میشوند که به صورت های مختلف تلاش دارند امنیت مرزها را تأمین کنند و نقش اصلی در کنترل و مدیریت مرزها بازی می کنند. این بازیگران شامل نیروهای مرزبانی و مرزداران، نیروهای نظامی در قالب سپاه، ارتش و نیروهای بسیج می شوند که به صورت مستقیم در کنترل و مدیریت مرزها نقش داشته و تلاش می کنند که تا حد امکان از ورود ناامنی به فضای داخلی کشور جلوگیری نمایند. این بازیگران با توجه به تأمین امنیت مناطق مرزی به

صورت مستقیم و امنیت فضاهای داخلی کشور به صورت غیر مستقیم اهمیت و جایگاه برجسته ای در برنامه ریزی ها و آمایش مناطق مرزی به خود اختصاص می دهند.

در زمینه بازیگران امنیتی مرزی باید توجه داشت که، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزهای خود را به خوبی مدیریت کنند نیازمند نیروهای مرزی حرفه‌ای و آموزش دیده می‌باشند. هر چند با گسترش پیشرفت‌های تکنولوژیکی نیاز به نیروهای مرزی برای حفاظت و نگهداری از مرزها و مدیریت آنها تا حدود زیادی کم شده است اما، با این وجود نیروی انسانی آموزش دیده و حرفه‌ای است که، از این فناوری‌ها باید در راستای دستیابی به اهداف مدیریت مرزی استفاده کنند. کنترل و مدیریت مرزی نیازمند نیروهای مرزی حرفه‌ای و تخصصی، آموزش دیده و آشنا با استانداردهای مدرن در زمینه پاسداری مرزی، آشنا با فرهنگ ساکنین مرزی، دارای روحیه همکاری با سازمان‌های درگیر در سراسر مرز و ... است تا از این طریق بتواند مرزها را به صورت بهینه کنترل و مدیریت کند. بر این اساس، به هر اندازه که نیروی مرزی به کار گرفته شده در کنترل و مدیریت مرزهای کشور حرفه‌ای‌تر، آموزش دیده و آشنا با فناوری‌های مدرن و استانداردهای مدرن، آشنا با فرهنگ ساکنین مرزی و آشنا با قوانین و ضوابط دو کشور دارای مرزهای مشترک باشد به همان میزان کنترل و مدیریت مرزها نیز بهتر صورت گرفته و زمینه همکاری و تعامل بین کشورهای دارای مرزهای مشترک به دلیل عملکرد خوب مدیریتی و روحیه همکاری پرسنل حفاظت از مرزهای مشترک فراهم آورده می‌شود. این همکاری‌های کنترل و مدیریت مرزی اقتضا می‌کند که مقامات سازمان مدیریت مرزی به خوبی با مهارت، دانش و رفتار صحیح چه در برخورد با ساکنین مرزی و چه رفتار دیپلماتیک برای برقراری ارتباط صحیح با مرزبانان آن سوی مرز آشنا باشند تا آنها را در راستای مدیریت صحیح فرایندهای جدید پشتیبانی نمایند. در کل می‌توان گفت، نیروهای مرزی آموزش دیده، ماهر، با تجربه و متعهد، نیروی محرکه برای دستیابی به اهداف کنترل و مدیریت بهینه مرزها است (افشردی و جان‌پور، ۱۳۹۲: ۱۸۸). در کنار جایگاه نیروهای مرزی داخلی، وضعیت نیروهای مرزی کشور هم‌مرز نیز از اهمیت بالایی جهت کنترل و مدیریت مرزها برخوردار است و باید از سوی پژوهشگران و علاقمندان مطالعات مرزی به آن توجه شود تا با دارا بودن این نگاه و درک کامل از نیروهای امنیتی مرزی بتوان آمایش مناطق مرزی را به صورت کارآمدی انجام داد.

۳-۴- بازیگران سیاسی - حاکمیتی مرزی

در کنار نیروهای امنیتی مرزی در مناطق مرزی، بازیگران سیاسی - حاکمیتی که زیر بخش هایی از توزیع فضایی قدرت حکومت را شکل می دهند، حضور دارند که در امر آمایش مناطق مرزی اثرگذاری گسترده ای دارا هستند. از جمله این بازیگران می‌توان به استانداری، فرمانداری، گمرک و غیره اشاره کرد، که از جایگاه برجسته ای برخوردار می‌باشند. چرا که، فضاهای جغرافیایی برای اینکه بتوانند روند ساماندهی را طی کرده و به فضایی سامان یافته تبدیل شوند ضرورتاً نیازمند نوعی مدیریت سیاسی هستند. این مدیریت سیاسی در طی قرن‌ها تکامل پیدا کرده است و در حال حاضر در قالب مدیریت سیاسی (حکومت ملت پایه) می‌باشد. این شکل از حکومت متناسب با فضاهای جغرافیایی از الگوی تک ساخت، فدرال، کنفدرال، ناحیه ای و فرا فدرال بهره‌برداری می‌کند تا از این طریق بتواند ضمن ایجاد زمینه بقاء خود فضای جغرافیایی (کشور) که در آن حاکمیت دارد را به سامان کند. برای دستیابی به این هدف مدیریت سیاسی (حکومت) اقدام به تقسیم فضا به زیر بخشهایی و ایجاد دولت‌های محلی میکند تا از این طریق بتواند ضمن تسهیل اعمال قدرت موثرتر و پایدارتر، زمینه دستیابی به فضای به سامان را نیز فراهم آورد. نقش و جایگاه دولت‌های محلی در فضاهای ملی متناسب با اهمیت فضای جغرافیایی که در اختیار دارند می‌تواند متفاوت باشد و صلاحیت‌ها نیز متناسب با اعطای قدرت و بازیگری از سوی حکومت مرکزی می‌تواند متفاوت

باشد. در این میان برخی فضاهای جغرافیایی نظیر مناطق مرزی اهمیت و جایگاه دولت‌های محلی از اهمیت بالاتری برخوردار است چرا که مناطق مرزی دارای شرایط ویژه‌ای هستند و هر گونه کم کاری، عدم شناخت و غیره می‌تواند به صورت‌های مختلف بر فرایند ساماندهی فضای این مناطق و حتی فضای کشور تأثیرات منفی بگذارد. از سوی دیگر، در مناطق مرزی جریان شکل‌گیری، گسترش و حتی بحرانی شدن مسائل سریعتر اتفاق می‌افتد. به بیانی دیگر پویایی این مناطق با توجه به پیوندی که با فضاهای فراملی دارا می‌باشند، بالاتر است. با توجه به این مشخصات خاص مناطق مرزی وجود دولت محلی که ضمن کارآمدی، بازیگری و نقش آفرینی لازم را نیز داشته باشد می‌تواند تا حد قابل توجهی مسائل و مشکلات این مناطق را در کوتاه‌ترین زمان ممکن حل و فصل کرده و از بحرانی شدن آن جلوگیری کند. همچنین دولت محلی قوی می‌تواند تا حد قابل توجهی در شناخت و بهره برداری از منابع و ظرفیت‌های مناطق مرزی کمک شایانی کند و زمینه شکوفایی و حرکت رو به جلوی مناطق مرزی را فراهم آورد. با توجه به اهمیت و جایگاه مناطق مرزی وجود دولت‌های محلی قوی در این فضاها می‌تواند تا حد قابل توجهی در حل و فصل مسائل و مشکلات کمک کرده و از سوی دیگر زمینه شکوفایی و ساماندهی این فضاها را فراهم آورد. بر این مبنا، در پیش‌گیری استراتژی حاضر می‌تواند به صورت‌های مختلف در کنترل و مدیریت کارآمدتر مرزهای کشور موثر واقع شود (جان پرور، صالح آبادی و نادری، ۱۳۹۹: ۱۲۱). بر این اساس به صورت کلی می‌توان گفت، نقش آفرینی بازیگران سیاسی- حاکمیتی در طول مرزها که از تنوع گسترده‌ای نیز برخوردار هستند در امر آمایش مناطق مرزی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و باید به آنها توجه ویژه‌ای شود.

۳-۴- بازیگران غیر رسمی مرزی

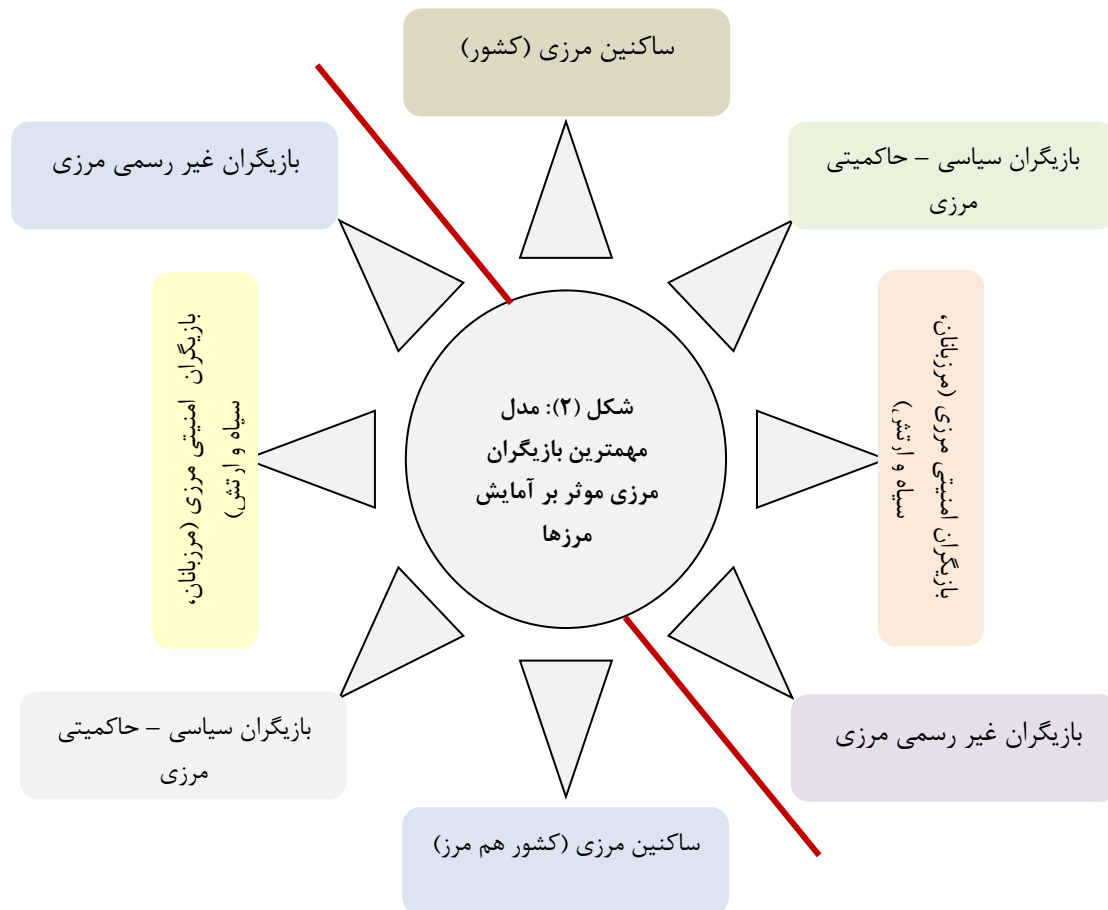
بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی شامل بازیگرانی می‌شود که در پیوند با نهادهای رسمی قرار ندارند و بر پایه مسائل قومیتی، مذهبی، خویشاوندی و غیره به نقش آفرینی در طول مرزها می‌پردازند. باید توجه داشت که بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی در قالب اشکال مختلف خود تأثیرات گسترده‌ای می‌توانند در کنترل و مدیریت مرزها از یک سو و آمایش مناطق مرزی از سوی دیگر داشته باشند. البته اگر چه نگاه اولیه و پایه به بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی منفی است باید توجه داشت که این نگاه یک جانبه است و واقعیت اصلی پیرامون این بازیگران غیر رسمی را تحت شعاع خود قرار می‌دهند. چرا که واقعیت موضوع این است که بازیگران غیر رسمی در طول مرزها دارای دو بعد هستند مثبت و منفی. در بیشتر موارد بعد مثبت خیلی مهمتر و اثرگذارتر و کاراتر است و می‌توان بر پایه آن و با بهره برداری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های حاصل از آن به اهداف آمایش مناطق مرزی دست یافت. در طرف مقابل بعد منفی برخی از این بازیگران غیر رسمی چون بیشتر حالت رسانه‌ای و مانور قدرت به خود می‌گیرد زمینه ایجاد ذهنیت منفی هنگام بیان عنوان بازیگران غیر رسمی در مناطق مرزی به خود می‌گیرد. به عنوان مثال میتوان به بزرگان و ریش سفیدان بلوچ در طول مرزهای کشور و پاکستان اشاره کرد. این بزرگان قادر هستند در کنترل و مدیریت مرزها و حرکت جهت دستیابی به اهداف آمایش مناطق مرزی نقش آفرینی مثبت گسترده‌ای داشته باشند که باید توجه و دقت بیشتری به این موضوع پیرامون آمایش مناطق مرزی صورت گیرد.

۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

هنگامی که در عرصه علمی صاحب‌نظران و پژوهشگران بخواهند مجموعه‌ای از پدیده‌ها را درک کنند، غالباً از مدل استفاده می‌کنند. چرا که مدل می‌تواند به صورت شفاف و قابل درک بازیگران و ارتباط بین آنها را در یک قالب و کنار یکدیگر به افراد و مسئولین نشان دهد. بر این مبنا در تحقیقاتی که جنبه کاربردی دارند توجه به مدل‌ها می‌تواند کارایی خوبی داشته باشد و زمینه برای دستیابی به هدف و توجیح مسئله را برای مسئولین و مدیران اجرایی مستدلتر و ساده‌تر نماید. در این میان، آمایش مناطق مرزی با توجه به اینکه مرزها از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در حفظ امنیت در ابعاد مختلف آن

(جانی، مالی، اقتصادی، سیاسی و ...) و بقاء کشورها دارا هستند، یکی از حوزه هایی است که نیازمند توجه و مطالعات بیشتری است. مطالعاتی که بتواند ضمن در نظر گرفته ابعاد و چارچوب های پایه ای توجه ویژه ای نیز به ساده سازی آن در قالب مدل ها نمودارها داشته باشد. در تحقیق حاضر نیز تلاش بر این بوده است که تا حد امکان بازیگران حاضر در مناطق مرزی که در آمایش این مناطق تأثیرگذار هستند در قالب مدل آورده شود. چرا که به نظر می رسد، در میان هزینه ها و تلاش های گسترده ای که برای محصور کردن و ایجاد دیوارها و حصارهای بلند پیرامون کشور در طول مرزها ایجاد می شود، توجه به بازیگران مرزی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد که متأسفانه توجه زیادی به آن ها صورت نگرفته است.

در پایان باید گفت، آنچه سبب عدم دستیابی به امنیت پایدار در مناطق مرزی می شود دارای دلایل مختلفی است اما شاید بتوان عدم درک و فهم کامل از مرزها و بازیگران حاضر در مناطق مرزی را یکی از مهمترین این دلایل دانست. بر این پایه، هدف از ارائه مدل بازیگران مرزی در مقاله حاضر این است که نگرش مسئولان و دولت مردان در عرصه ها و سطوح مختلف را به تنوع بازیگران حاضر در طول مرزهای کشور را بیشتر شود و این امر سبب شود که در ارائه طرح ها و برنامه هایی که برای مناطق مرزی جهت کنترل و مدیریت ارائه می دهند نگرش و درک بهتر و جامع تری داشته باشند تا از این طریق بتوان ارتباطات و تعاملات حاضر در طول مرزها را در راستای بهتر شدن وضعیت مناطق مرزی و کنترل بهینه آنها بر پایه اهداف آمایش مرزی ارائه شود. مدل ترسیمی خروجی از تحقیق حاضر که نشان دهنده مهمترین بازیگران مرزی موثر در آمایش مناطق مرزی هستند و پیوستگی آنها با یکدیگر را می توان در شکل شماره ۲ مشاهده کرد.



منابع

- ۱) افشردی، محمدحسین و جان پرور، محسن (۱۳۹۲). **الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی** (مورد پژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس). تهران: انتشارات دانشگاه عالی.
- ۲) توحیدی، احمد (۱۳۹۴). **مدل، نظریه و قانون**. برگرفته از <https://bigbangpage.com/?p=35719>
- ۳) جان پرور، محسن (۱۳۸۷). **بررسی تحول مرز در دوران معاصر**. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی. به راهنمایی محمدرضا حافظ نیا. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴) جان پرور، محسن (۱۳۹۱). **تبیین الگوی مدیریت مرزهای دریایی مورد خلیج فارس**. رساله دکتری به راهنمایی محمدحسین افشردی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵) جان پرور، محسن (۱۳۹۶). **نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه ها)**. تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۶) جان پرور، محسن و لسانی، سبحان (۱۳۹۲). **ساماندهی و بکارگیری ساکنین مرزی در مدیریت مرزها با رویکرد پدافند غیر عامل**. مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (پدافند غیر عامل). مشهد.
- ۷) جان پرور، محسن، صالح آبادی، ریحانی و نادری، زکیه (۱۳۹۶). **راهبردهای مدیریت مرزها**. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات فرماندهی مرزبانی ناجا.
- ۸) حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). **تحلیل کارکردی مرز بین المللی: مرز ایران و افغانستان**. فصلنامه‌ی مدرس. دوره‌ی ۱۰ ش ۲.
- ۹) حافظ نیا، محمدرضا و جان پرور، محسن (۱۳۹۲). **مرزها و جهانی شدن با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰) رحمتی‌راد، محمد حسین. (۱۳۷۴). **مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه**. تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- ۱۱) عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). **نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران**. چاپ اول. تهران: دوره عالی جنگ.
- ۱۲) عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸). **توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران**. **باغ نظر**. سال ششم. شماره دوازدهم.
- ۱۳) کالینگورس، بری‌وی (۱۳۸۷). **برنامه‌ریزی بریتانیایی: پنجاه سال سیاست گذاری شهری و منطقه‌ای**. ترجمه: عارف اقوامی مقدم. تهران: انتشارات آذرخش.
- ۱۴) گرجی، ابراهیم و برخورداری، سجاد (۱۳۸۸). **مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران، نشر ثالث.